

**Assessment if the relation between Crime and Mizaj
(Case study of Malayer)**

Hadi Rostami¹, Hadis Zohrehvand², Morteza Mojahedi³

Abstract

Background and aim: Based on the viewpoint of Persian medicine, the behavioral dimension of particular Mizaj (temperament)s is defined as to appear to be more talented in the actions of the crime.

Since, Lack of comprehensive study on the relevant of Mizajes and delinquency, so the Present study was conducted to investigate relationship between the 9 temperaments with delinquency in the Malayer's city.

Method: In this descriptive- analytical study, Mojahedi Ten item Mizaj Questionnaire, was distributed in two groups of males in 20-40 years old of Prisoners and non- prisoners in Malayer's city in 1395. According to this questionnaire, was defined the temperament of the criminals and common population. In 9 groups of temperamental and research findings have analyzed in two parts of descriptive and deductive with SPSS software, in descriptive analysis of single variable are discussed to the results of the variables of the types of temperamental; And for transparency of data. Have used of descriptive statistics tables (absolute frequency, frequency of gathering), and in the inferential analysis section has been used, of the chi-square and umann whitney test.

Results: There was meaningful relationship between the temperament of criminals and common people ($P=0.00$).

The difference in habitual was different between the groups of criminals and common people and it was confirmed, with reliance 0.95 and also the difference in habitual in criminal persons with number 12.134 was more than

1. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanities, Bu-Ali Sina University, Hamadan, Iran. (Corresponding author)

Email: h.rostami@basu.ac.ir

2. Bachelor of Law, Faculty of Humanities, Bu-Ali Sina University, Hamadan, Iran.

3. Assistant Professor, Department of History of Medicine, Faculty of Traditional Medicine, Babol University of Medical Sciences, Babol, Iran.

common peoples with number of 88.92 and it was cold and dry in prevailing temperament prisoners.

Conclusion: It seems, according to the results of this study, there is relationship between Mizaj of people and the talent of committing a crime. To prove this probability, it is necessary a research in other areas and with more sample size.

Keywords

Mizaj, Criminality, Prisoner, Crime, Criminology, Traditional Medicine

Please cite this article as: Rostami H, Zohrehvand H, Mojahedi M. Assessment if the relation between Crime and Mizaj (Case study of Malayer). Iran J Med Law 2019; 13(49): 195-214.

بررسی رابطه مزاج و بزه کاری (مطالعه موردی شهرستان ملایر)

هادی رستمی^۱

حدیث زهره‌وند^۲

مرتضی مجاهدی^۳

چکیده

زمینه و هدف: بر اساس دیدگاه مزاجی طب ایرانی ابعاد رفتاری برخی مزاج‌ها به گونه‌ای تعریف شده است که به نظر می‌رسد استعداد بیشتری در ارتکاب بزه داشته باشند. نظر به این‌که مطالعه جامعی پیرامون رابطه مزاج‌های نه‌گانه و بزه کاری صورت نگرفته، مطالعه حاضر جهت بررسی رابطه مزاج نه‌گانه با بزه کاری در شهرستان ملایر انجام شده است.

روش: طی مطالعه توصیفی - تحلیلی در سال ۱۳۹۵ پرسشنامه ده سؤالی تعیین مزاج مجاهدی، در دو گروه ذکور ۲۰-۴۰ سال زندانیان زندان شهرستان ملایر و غیر زندانیان شهرستان مذکور توزیع شد. ابتدا بر این پرسشنامه، مزاج بزه‌کاران و جمعیت عادی در نه گروه مزاجی تعریف و یافته‌های تحقیق با نرم‌افزار SPSS در دو بخش توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت؛ در تحلیل توصیفی تک‌متغیره به نتایج متغیر زمینه‌ای نوع مزاج پرداخته شده و برای شفافیت داده‌ها از جداول آمار توصیفی (فراوانی مطلق، فراوانی تجمعی) استفاده و در بخش تحلیل استنباطی، آزمون خی دو و یومان ویتنی به کار برده شد.

یافته‌ها: ارتباط معنی‌دار بین مزاج بزه‌کاران و افراد عادی وجود داشت ($p=0.00$). میزان تفاوت مزاجی بین گروه بزه‌کاران و افراد عادی معنادار بود و با اطمینان ۰/۹۵ تأیید شد. همچنین تفاوت مزاج در افراد بزه‌کار با عدد ۱۳۴/۱۲ بیش از گروه افراد عادی با عدد ۹۲/۸۸ بود و در زندانیان مزاج غالب سرد و خشک بوده است.

۱. استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی‌سینا، همدان، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: h.rostami@basu.ac.ir

۲. کارشناس حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی‌سینا، همدان، ایران.

۳. استادیار گروه تاریخ علوم پزشکی، دانشکده طب سنتی، دانشگاه علوم پزشکی بابل، بابل، ایران.

بحث و نتیجه‌گیری: با عنایت به نتایج پژوهش حاضر، به نظر می‌رسد بین مزاج افراد و استعداد ارتکاب بزه ارتباط وجود داشته باشد. اثبات این احتمال نیازمند انجام پژوهش در سایر مناطق و با حجم نمونه بیشتر می‌باشد.

واژگان کلیدی

مزاج، بزه‌کاری، زندانی، جرم، جرم‌شناسی، طب سنتی

مقدمه

جرم‌شناسی به عنوان شاخه‌ای از علوم جنایی تجربی و اثباتی به پدیده بزه‌کاری به عنوان یک واقعیت انسانی و اجتماعی می‌پردازد (۱). در پاره‌ای موارد عدم رعایت هنجارها و ارزش‌های اجتماعی موجب ظهور پدیده جنایی می‌شود. پدیده جنایی که در مفهوم مجرد حقوقی، جرم یا بزه تلقی می‌شود (۲)، فعل یا ترک فعلی است که در قانون برای آن مجازات منظور شده باشد (۳). فاعل جرم به عنوان بزه‌کار شناخته می‌شود؛ در این مطالعه بزه‌کار در معنای بزه‌کار قانونی مد نظر است.

در جهان علت و معلول، هر معلول مستلزم علت است و جرم به عنوان معلول به طور قطع علتی دارد. عوامل و محرک‌های ایجادکننده رفتار بزه‌کارانه، ویژگی‌های جسمانی، محیطی و روانی بزه‌کار است، بنابراین عامل‌های جرم‌زا به دو گروه عامل درونی (ارثی، اکتسابی) و عامل بیرونی (محیط طبیعی، محیط اقتصادی، خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی) تقسیم می‌شوند (۲). «ریشه‌های سرشت بزه‌کاری اساساً داخلی است. دی تولیو: جرم پدیده‌ای است مربوط به فرایندهای زیست‌شناختی، شیمی حیاتی، هورمونی، رستنی، روانی که نقش آن‌ها گاه معد و گاه موجب جرم است» (۴). در این باره شش نظریه ارائه شده که از جمله سبب‌های ایجاد رفتار مجرمانه، بیماری روان‌تنی است که بیانگر ضربان قلب، فشار خون، امواج مغزی، برانگیختگی و توجه است. در این راستا، تأثیر فعل و انفعالات جسم بر روان، شایان توجه است (۵). تأثیر جسم بر روان در نظریه‌های جرم‌شناسان کلاسیک از جمله لمبروزو به عنوان شرط کافی مطرح شده است (۶-۷). عامل دیگر، آثار زیست‌شیمی بوده که به بررسی فعالیت‌های هورمونی، فرآیند سوخت و ساز بدن و آثار سم‌ها می‌پردازد، آثار ژنتیکی نیز به عنوان یکی از سبب‌های رخداد جرائم است که بر این اساس ابعاد شش‌گانه: پیش‌زمینه مربوط به جسم، ناهنجاری مغزی، نارسایی ذهنی، تفاوت‌های موجود در دستگاه عصبی غیر ارادی، تفاوت‌های کالبدی و تمایزهای ناشی از شخصیت مطمح نظر قرار می‌گیرد. آیزینگ بر این باور است که عامل وقوع جرائم، سه سطح استعداد زیستی، آمادگی محیطی و در پاره‌ای موارد اثر ترکیبی این سطوح است (۸).

از منظر طب ایرانی انسان‌ها در جنبه‌های مختلف جسمی و روحی روانی با یکدیگر تفاوت دارند. منابع طب ایرانی این تفاوت‌ها را در قالب مفهوم مزاج تعریف و تبیین کرده‌اند. یکی از شاخص‌های مربوط به تفاوت مزاج‌های افراد یک جامعه، تفاوت در رفتارهای فردی و اجتماعی

است. بدین ترتیب برخی از انواع مزاج‌ها رفتارهای پرخطر بیشتری را در صاحبان خود باعث می‌شوند. ملامهدی نراقی می‌نویسد: سرشت و مزاج انسان را دخالت و تأثیر تمام در صفات اخلاقی است، هر مزاج صرف نظر از علل خارجی خلقیات مشخص را برمی‌تابد و چه بسا فردی با کوچک‌ترین سببی خشمناک شود و دیگری آرام باشد (۹). همچنین حکیم عقیلی در کتاب خلاصه‌الحکمه تأثیر مزاج بر خلقیات را مطرح می‌نماید: «قوت، سرعت و کثرت حرکات دلالت بر حرارت مزاج می‌نماید... هرچند حرارت قوی‌تر باشد، غضب قوی‌تر و سریع‌الهیجان‌تر و کثیرالوقوع خواهد بود. برخلاف خوف که قوت و سرعت و کثرت آن به سبب غلبه برودت است و بلادت و کسالت انفعالات و بط و قلت آن‌ها دلیل بر برودت مزاج است و ثبات انفعالات مطلقاً دلیل بیوست مزاج است و سرعت زوال انفعالات دلیل بر رطوبت مزاج است» (۱۰).

در فرهنگ الفبایی - قیاسی زبان فارسی در تعریف مزاج آمده «مزاج کیفیتی است در بدن که از آمیزش عناصر و اجزای اصلیه پدید می‌آید... نتیجه چگونگی اثرات اندام‌های درونی بدن بر یکدیگر بوده و به حالت طبیعی و کیفی فرد اطلاق می‌شده است» (۱۱). ابن‌سینا در «القانون فی‌الطب» به تبیین مزاج می‌پردازد: مزاج عبارت از چنان کیفیتی است که از واکنش متقابل اجزا ریز مواد متضاد به وجود می‌آید. در این واکنش متقابل، اجزای یک یا چند ماده با اجزای ماده یا مواد متخالف با هم می‌آمیزند، بر هم تأثیر می‌کنند و از این آمیزش کیفیت متشابهی حاصل می‌شود که آن را مزاج نامیده‌اند (۱۲).

با دقت در این نوشتار می‌توان گفت به تعداد جمعیت روی کره زمین مزاج وجود دارد (۱۵-۱۳). از منظر پزشکی ایرانی، چهار رکن آتش (با طبع گرم و خشک)، هوا (با طبع گرم و تر)، آب (طبع سرد و تر) و خاک (با طبع سرد و خشک) به عنوان اجزای اولیه تشکیل‌دهنده هر موجود و از جمله بدن انسان موجب به وجود آمدن مزاج می‌شوند؛ مزاج معتدل از ترکیب متناسب ارکان تشکیل می‌شود، زمانی که تعادل مزاج از بین برود، یک کیفیت بر کیفیت دیگر غلبه یافته و مزاج غیر معتدل ایجاد می‌شود (۱۶). از غلبه یک کیفیت بر سایر کیفیات، مزاج سرد، گرم، خشک، تر با عنوان مزاج مفرد حاصل می‌شود. در مزاج مرکب، دو کیفیت غلبه می‌یابد: سرد و خشک، سرد و تر، گرم و خشک، گرم و تر. دو کیفیت خشک و تر کیفیت منفعله و کیفیت‌های سرد و گرم با عنوان کیفیت فاعله شناخته می‌شوند و در مجموع از نظر مبانی تئوریک طب سنتی ایران نه گروه مزاجی برای افراد هر جامعه وجود دارد (۱۳).

صدرالمتألهین، بنیانگذار حکمت متعالیه، دوگانه‌انگار بوده و معتقد است، نفس و بدن در عین تمایز وحدت دارند و نفس در آغاز پیدایش وابسته به بدن است و بعد از پیدایش مستقل بوده و برای کسب فضایل، وابسته به متعلق به است (۱۷)، لذا جوهر یا نفس، توانایی درک خوبی و بدی را به انسان می‌بخشد (۱۸).

هر مزاج اول به ذات استعداد بروز رفتار خاص را دارد. ابن سینا در خصوص شاخص دهم تعیین مزاج که فعل و انفعالات نفسانی است، می‌نویسد: «وَالْجِنْسُ الْعَاشِرُ مَأْخُذٌ مِنْ أَحْوَالِ قُوَى النَّفْسِ فِي أَعْمَالِهَا وَانْفِعَالِهَا مِثْلُ أَنَّ الْخَرَدَ الْقَوِيَّ (شدت غضب) وَالضَّبَجَ (بی‌قراری روحی) وَ الْفِطْنَةَ (زیرکی) وَ الْفَهْمَ (درک بالا) وَ الْإِقْدَامَ (پیش قدم بودن) وَ الْوَقَاحَةَ (عدم نگرانی از انجام کار زشت) وَ حُسْنَ الظَّنِّ (حسن ظن) وَ جُودَةَ الرَّجَاءِ (امید به آینده) وَ الْقِسَاوَةَ (قساوت قلب) وَ النَّشَاطَ (نشاط) وَ رُجُولِيَةَ الْأَخْلَاقِ (اخلاق مردانه) وَ قَلَّةَ الْكَسَلِ (کسالت کم) وَ قَلَّةَ الْانْفِعَالِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ (انفعال کم از عوامل روحی تأثیرگذار) يَدْأُ عَلَى الْخَرَاةِ وَ أَضْدَادُهَا عَلَى الْبُرُودَةِ وَ ثَبَاتُ الْخَرَدِ (ثبات غضب) وَ الرِّضَا (ثبات رضایت) وَ الْمُتَخِيلِ (ثبات تخیلات) وَ الْمَحْفُوظِ (ثبات حافظه) وَ غَيْرِ ذَلِكَ يَدْأُ عَلَى الْيُبُوسَةِ وَ زَوَالِ الْانْفِعَالِ بِسُرْعَةٍ (زوال انفعالات به سرعت) يَدْأُ عَلَى الرُّطُوبَةِ» (۱۲). امر دایر است بر تأثیر مزاج بر رفتار، بزه نیز به عنوان کنش مشخص، در گویه مزاجی معین معنا می‌یابد. همچنین هر فرد علاوه بر قرار گرفتن در نه گروه مزاج تعریف شده، واجد مزاج منحصر به فرد خود است که خلقیات خاصی را در پی دارد؛ افزون بر این، مسأله عادت، موجب بروز مزاج ثانوی می‌شود که بحث دیگری است (۱۹).

در منابع طب سنتی رابطه مزاج با رفتار مشهود بوده و این امر سبب شد در متن پیش رو به بررسی رابطه مزاج بر بزه‌کاری به عنوان یک رفتار پرداخته شود، کتاب جامع‌السعادات در فصلی تأثیر مزاج بر اخلاق را مورد بررسی قرار داده است: نقصان عقل و بروز رذایل اخلاقی در صورت عدم تعادل قوا دور از انتظار نیست و در چنین شرایطی بعضاً قوه عاقله تحت سلطه خشم و شهوت قرار می‌گیرد (۲۰). از این منظر بیماری‌های جسمی تعادل طبایع را ساقط نموده و اعتدال اخلاق را از بین می‌برد (۲۱). در طب ایرانی اصل سلامت جسم و روح افراد بر تعادل مزاج است و در صورت برهم خوردن تعادل اولیه، نفس ناطقه از کردار پسندیده دور می‌شود و تدبیر ایجاد تعادل مجدد می‌نماید که می‌تواند موجب بروز خلقیات ناشایست شود (۲۲). فرض این متن بر این است که مزاج بر بزه به عنوان یک کنش تأثیرگذار است. برای مثال

گفته شده از نظر بیولوژیکی، افراد پیش‌زمینه خشونت را دارند (۲۳). در زمینه انسان‌شناسی جنایی کرچمر، با نگاه بر ویژگی‌های ظاهری و اخلاقی سه تیپ اصلی لاغراندامان، فربه‌تنان، سخت‌پیکران مورد بررسی قرار گرفته است و آزمایش دقیق نشانگر وجود رابطه جرم با شخصیت مجرم، نژاد و اجتماع می‌باشد (۴). مطالعات صورت گرفته بیانگر وجود اختلال‌های شخصیت اجتنابی، خودشیفته، ضد اجتماعی، پرخاشگر - دیگرآزار، منفعل - پرخاشگر و خود مغلوبی بین اکثر زندانیان است (۲۴). تحقیقات صورت گرفته وجود رابطه شخصیت و مزاج را نشان می‌دهد (۲۵). در خصوص تأثیر مزاج‌های چهارگانه بر وقوع جرم پایان‌نامه‌ای با عنوان «بازشناسی تأثیر اخلاط و امزاج اربعه در بروز جرم» توسط روح‌الله شافعی با به کارگیری دو روش کتابخانه‌ای و میدانی تحریر شده است (۲۶)، اما در خصوص رابطه مزاج‌های نه‌گانه بر بزه‌کاری مطالعه جامعی یافت نشد و مطالعه حاضر این رابطه را مورد بررسی قرار داده است.

روش

روش نمونه‌برداری خوشه‌ای - تصادفی بوده و از این جهت جامعه به دو گروه جمعیت عادی و بزه‌کار تقسیم شده است. مورد مطالعه برخی از شهروندان شهرستان ملایر و حجم نمونه ۲۲۶ نفر از ذکور ۲۰-۴۰ سال است که ۱۱۳ نفر بزه‌کار محبوس، به صورت تصادفی از طریق مددکار زندان مورد پرسش قرار گرفتند، از نظر قانونی و ضرورت حفاظت اطلاعات، امکان دسترسی کامل جامعه آماری زندانیان وجود نداشت. از این رو به تناسب امکان دسترسی به نمونه، حجم نمونه انتخاب شد. در زندان ملایر، اجازه پرسش از ۱۱۳ نفر از ذکور محبوس، صادر شد و به علت مقایسه دو گروه جمعیت عادی و زندانیان، حجم نمونه افراد عادی نیز ۱۱۳ نفر از مردان ۲۰-۴۰ سال انتخاب شد. در پایان‌نامه محمد سراوانی (۲۷) و مقاله‌ای که از این پایان‌نامه با عنوان علل ارتکاب سرقت استخراج شده و در شهر استانبول به چاپ رسیده نیز زندانیان، مورد بررسی قرار گرفته‌اند و امکان دسترسی به حجم متناسب از نمونه وجود نداشته و پرسش از ۱۰۰ نفر امکان‌پذیر بوده است (۲۸). ۱۱۳ نفر از مردان غیر زندانی نیز به تساوی از منطقه ۱ و ۲ شهرستان ملایر به روش تصادفی - خوشه‌ای برگزیده شدند؛ بر این اساس پرسشنامه ۱۰ سؤالی تعیین مزاج مجاهدی که به عنوان نخستین پرسشنامه استاندارد تعیین مزاج بوده و توسط مجاهدی و همکاران جهت تعیین مزاج افراد ۲۰-۴۰ سال در ۱۰ سؤال تنظیم شده است

که ۸ سؤال نخست بیانگر کیفیات فاعله (سردی و گرمی) و ۲ پرسش آخر نشانگر کیفیت منفعله (تری و خشکی) است، در دو منطقه توزیع گردید.

جهت توزیع پرسشنامه در زندان پس از هماهنگی با ریاست دادگستری کل استان همدان و حفاظت اطلاعات دادسرا و دادگاه شهرستان، مساعدت دادستان و قاضی اجرای احکام و ریاست زندان شهرستان، تعداد ۱۱۳ پرسشنامه در زندان به روش تصادفی ساده، توسط زندانیان تکمیل گردید. اطلاعات جمع‌آوری شده با نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و سرانجام یافته‌های تحقیق با آمار توصیفی و استنباطی آنالیز گردید. در تحلیل توصیفی تک‌متغیره نتایج توصیفی متغیر زمینه‌ای نوع مزاج بررسی و از جداول آمار توصیفی همچون فراوانی مطلق و فراوانی تجمعی استفاده شد. در تحلیل استنباطی جهت احراز رابطه متغیر مستقل و متغیر وابسته و مشخص نمودن سهم هریک از عوامل بر متغیرهای وابسته از آزمون خی‌دو و یومان ویتنی استفاده شد. در بخش آمار استنباطی به بررسی فرضیه‌ها پرداخته شده است. از این جهت که هر دو متغیر مستقل و وابسته در مقیاس اسمی سنجیده شده‌اند، به این صورت که افراد گروه‌های عادی و بزه‌کار بر اساس نتیجه حاصل از پرسشنامه در نه گروه تعریف شد و درصد و فراوانی هر گروه مورد مطالعه قرار گرفت و در ادامه، رابطه و تفاوت موجود بین دو متغیر با آزمون‌های ناپارامتری و آزمون خی‌دو چندمتغیری و یومان ویتنی مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها

همان‌گونه که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، حجم نمونه ۲۲۶ نفر بوده که از این تعداد ۱۱۳ نفر غیر زندانی و ۱۱۳ نفر مجرمان در زندان می‌باشند.

در این تحقیق نه گروه مزاجی مورد ارزیابی قرار گرفت و ۳۲ نفر از پاسخگویان غیر بزه‌کار، در گروه مزاج معتدل قرار گرفتند که بیشترین فراوانی را داشته و ۲۸/۳ درصد به این گروه مزاج اختصاص یافت و ۵ نفر در گروه مزاج سرد و تر قرار گرفتند که کم‌ترین فراوانی را داشته و ۴/۴ درصد را شامل می‌شود.

آن‌سان که مشاهده می‌شود، ۲۶ نفر از پاسخگویان بزه‌کار دارای مزاج سرد و خشک می‌باشند که بیشترین فراوانی را داشته و ۲۳٪ را دربر می‌گیرد و مزاج گرم و خشک واجد

فراوانی ۵ است که با کم‌ترین فراوانی ۴/۴ درصد را به خود اختصاص داده است. از این میان در مجموع تعداد افراد سرد مزاج در گروه بزه‌کار ۵۳ (۴۷٪) و تعداد افراد گرم ۲۰ (۱۸٪) و معتدل در گرمی سردی ۳۴ (۳۰٪)، در حالی که در گروه عادی تعداد افراد سرد مزاج ۲۰ (۱۸٪)، تعداد افراد گرم ۲۷ (۲۴٪) و تعداد افراد معتدل در گرمی سردی ۳۲ (۲۸٪) می‌باشد. بدین ترتیب مزاج‌های سرد بیشترین درصد را در افراد بزه‌کار و اعتدال مزاج بیشترین درصد افراد عادی را به خود اختصاص داده‌اند. پیش‌فرض وجود رابطه معنادار بین مزاج گروه بزه‌کاران و افراد عادی بوده و داده‌ها نشان‌دهنده صحت این رابطه است.

با استناد به مقدار کای اسکوئر با مقدار عددی ۳۷/۹۲۸، نیز با توجه به مقدار sig که در سطح ۰/۰۵ معنادار است و این دلیل که سطح معناداری به دست‌آمده از عدد ۰/۰۵ کم‌تر است، نتیجه بیانگر رابطه معنادار بین دو متغیر مزاج و گروه‌ها می‌باشد.

در خصوص کیفیت تفاوت میزان مزاج بین گروه‌های بزه‌کار و افراد عادی، با نظر به نتایج حاصل از جدول چهارم با عنوان مقدار آماره آزمون با استناد به مقدار آزمون Z (نمره خام اصلاح‌شده بر اساس میانگین و انحراف استاندارد توزیع‌شده) (۴/۷۸۲) که در سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۵ معنی‌دار است، باید گفت که با اطمینان ۰/۹۵ به لحاظ آماری تفاوت مزاج در بین گروه‌های مورد مطالعه معنی‌دار است. بدین معنا که مزاج بزه‌کاران و افراد عادی متفاوت بوده که دلالت بر تأیید فرض H_1 مبنی بر تفاوت مزاج در بین بزه‌کاران و افراد عادی و رد فرضیه H_0 مبنی بر عدم تفاوت مزاج در بین گروه‌های بزه‌کار و افراد عادی دارد. به دلیل کم‌تر بودن میانگین رتبه گروه افراد عادی از میانگین رتبه گروه زندانیان مقدار آماده Z منفی محاسبه شد.

نظر به نتایج آزمون یومن - ویتنی، میانگین رتبه تفاوت مزاج در بین افراد بزه‌کار با عدد ۱۳۴/۱۲ بیشتر از گروه افراد عادی با عدد ۹۲/۸۸ است، لذا تفاوت مزاجی در گروه بزه‌کاران بیشتر است.

بحث

در بررسی متون پزشکی سنتی، این فرضیه که مزاج بر کردار، خلیقات و رفتار آدمی تأثیرگذار است، تأکید شده است، اما در خصوص رابطه مزاج‌های نه‌گانه بر بزه‌کاری مطالعه

جامعی صورت نگرفته بود که این نوشتار می‌کوشد به این موضوع با ابتنا بر یافته‌ها و داده‌های تجربی و علمی بپردازد.

همان‌گونه که در مقدمه ذکر شد، از نظر مبانی طب سنتی ایران، نظام خلقت بر پایه ارکان چهارگانه (آب، هوا، آتش و خاک) استوار شده است. عنصر خاک، سرد و خشک؛ آب، سرد و تر؛ آتش، گرم و خشک و هوا، گرم و تر است. بر اساس غلبه‌یافتن یک یا دو عنصر یا تعادل عناصر، نوزاد با مزاج خاص متولد می‌شود، به طوری که هر شخص، مزاج منحصر به فرد خود را دارد و در یکی از نه گروه تعریف‌شده قرار می‌گیرد. این امر بر تأثیر مزاج مشخص بر افعال معین دایر است، اما افزون بر مزاجی که بالذات بر فرد حاکم است، مزاج ثانوی نیز ثانی بالعرض، حسب عادات اکتسابی بر شخص حاکم است (۲۹). بدین‌سان، آدمی با هر گونه مزاج، مختار بوده و رفتار او در پاره‌ای موارد دایر بر رفتارهای تعریف‌شده در گونه مزاج نیست که این می‌تواند ناشی از عادات تربیت خانوادگی و هنجارهای اجتماعی باشد که در این صورت، رفتارهای مورد انتظار و معین مزاج خاص بروز نیافته و حتی بین مزاج و اخلاق تضاد دیده می‌شود. با این اوصاف، در تمامی گروه‌های مزاج امکان وقوع جرم وجود دارد، اما در مزاج‌هایی مشخص، وقوع جرائم چشم‌گیرتر است.

از منظر طب ایرانی واسطه تبدیل مواد غذایی به بافت‌های بدن با انرژی مورد نیاز اخلاط می‌باشند. بدین صورت که عناصر چهارگانه تشکیل‌دهنده مواد غذایی خورده‌شده در مسیر هضم‌های مختلف خصوصاً در کبد تبدیل به محصولات حد وسط به نام خلط‌های چهارگانه می‌گردند که هر کدام کیفیت خاص خود را دارند. خلط دم‌گرم و تر، صفرا گرم و خشک، بلغم سرد و تر و سودا سرد و خشک می‌باشد. می‌توان گفت در بدن هر فرد مزاج به سمت ویژگی‌های خلط غالب تمایل دارند، برای مثال، عنصر خاک، سرد و خشک است و خلط حاصل از آن سودا نام دارد. غلبه این خلط بر بدن خصوصیات روحی روانی مانند، نفرت همراه با سوء ظن را در پی دارد. داده‌های این مطالعه نشانگر آن است که مزاج سرد و خشک بالاترین درصد را بین افراد بزه‌کار دارد (۲۳٪) و جایگاه دوم به مزاج سرد، تر و خشک با فراوانی برابر اختصاص دارد. بدبینی، نفرت، اضطراب و نارضایتی ویژگی ذاتی مزاج سرد و خشک است و از نظر جسمانی دارای پوست خشک و اندام لاغر هستند (۱۶). در طبقه‌بندی کرچمر بالاترین رقم تبهکاران در گروه استخوانی‌ها بوده که اغلب بلندقد و لاغراندام با دست و پای کشیده، دیرجوش، خیال‌پرداز،

پریشان احوال و بدبین می‌باشند. همچنین درون‌گرا و بیش از اندازه حساس‌اند (۴). تفکیک ارائه شده از سوی کرچمر، با نظر به بن‌مایه‌های پزشکی سنتی ایرانی می‌تواند با ویژگی صاحبان مزاج سرد و خشک هماهنگی یابد تا جایی که فرضیه این تحقیق را اثبات کند، البته با توجه به این‌که در پرسشنامه استفاده‌شده در این مطالعه جهت تعیین مزاج به نوع مزاج تشخیص داده شده از نظر مزاج اولیه یا جبل‌ی و ثانویه تصریح نشده و همچنین سابقه سنوات زندانیان در این پژوهش مشخص نشده است، نمی‌توان مشخص نمود که آیا مزاج این افراد بزه‌کار قبل از ورود به زندانیان اینچنین بوده است یا پس از ورود به زندان به دلیل شرایط خاص زندان این مزاج بروز یافته است.

بر اساس نتایج حاصل از پایان‌نامه با عنوان بازشناسی تأثیر اخلاط و امزاج اربعه در بروز جرم، خروجی داده‌ها مؤید وجود رابطه معنادار بین مزاج چهارگانه و بزه می‌باشد و مزاج غالب در زندانیان زندان اصفهان، مربوط به مزاج گرم و خشک و گرم و تر نشان داده شده، مزاج سرد و تر و سرد و خشک کم‌ترین میانگین را کسب کرده است. در مطالعه حاضر نیز رابطه معنادار بین مزاج‌های نه‌گانه و بزه‌کاری احراز شد، اما داده‌ها بیانگر غلبه مزاج سرد و خشک در زندانیان است. در مقام مقایسه داده‌های دو پژوهش، جهت همسان‌سازی پژوهش حاضر و پایان‌نامه مذکور در فوق، چهار مزاج مرکب (سرد و خشک، گرم و خشک، سرد و تر، گرم و تر) از نه مزاج را بررسی می‌نماییم. در مطالعه حاضر اغلب زندانیان در گویه مزاج سرد و خشک با فراوانی ۲۶٪ قرار داشتند و مزاج گرم و تر و سردتر با فراوانی ۱۳٪ دومین مزاج مرکب شایع زندانیان و مزاج گرم و خشک با فراوانی ۵٪ کم‌ترین تعداد را شامل شد، لیکن در پایان‌نامه یادشده، شیوه تعیین مزاج با مطالعه حاضر تفاوت داشته است. فراوانی مزاج زندانیان در گروه مزاج مرکب گرم و خشک قرار گرفته است. آن‌سان که مشاهده می‌شود، مزاج غالب در زندانیان زندان اصفهان و ملایر متفاوت است و تنها در مزاج گرم و تر همسویی وجود دارد، شاید بتوان سبب این تفاوت را شیوه تعیین مزاج داوطلبان دانست و یا این‌که علت تفاوت را در آب و هوای دو شهر که یکی گرم و خشک و دیگری سرد است، یافت. تأثیر تغییرات آب و هوایی بر مزاج در منابع طب ایرانی ذکر شده است، به طوری که بهار و تابستان به ترتیب دارای مزاج گرم و تر و گرم و خشک؛ پاییز با مزاج سرد و خشک و زمستان با مزاج سرد و تر معرفی می‌شوند (۱۶). تحقیق‌های انجام‌شده در لندن، رابطه مستقیم افزایش دما با افزایش خودکشی خشونت‌آمیز را نشان می‌دهد

(۳۰). مطالعات حاکی از آن است که وقوع قتل در زمستان کم‌تر از تابستان بوده و رطوبت هوا با میزان نزاع رابطه معکوس دارد (۳۱)، البته تاکنون مطالعه‌ای که نشان دهد مزاج یک حجم نمونه مشخص در فصل زمستان سردتر از تابستان است و یا عکس آن گزارش نشده است. سبب دیگر تفاوت دو پژوهش در نوع جرائم مجرمان است، تحقیقات صورت گرفته در اصفهان صرفاً زندانیان جرائم عمد را ملاک قرار داده است، اما در مطالعه پیش رو مطلق جرم‌ها بررسی شده است. گرم مزاجان به علت غلبه حرارت، پُرانرژی بوده و از تعامل انرژی و خشونت، بستر وقوع جرم فراهم می‌شود. پژوهش‌های صورت گرفته در مشهد بیانگر فراوانی نزاع در روزهای گرم است (۳۱). از این رو انتظار می‌رود بزه‌های خشن در گونه مزاج گرم حادث شود. به طور متوسط متجاوزان جنسی پرخاشگر می‌باشند (۲۳) که می‌تواند مهر تأیید بر یافته‌های پایان‌نامه یادشده باشد. از طرفی بزه‌کاری جنسی که معمولاً در معنای تجاوز و مقاربت غیر قانونی معنا می‌یابد (۳۲)، در گروه مزاج گرم محتمل است و از حیث آمار، رقم سیاهی در بزه‌کاری دارند، جرائم جنسی به سبب ترس از آبرو اغلب توسط بزه‌دیده به مقامات قضایی اطلاع داده نمی‌شوند. بنابراین کم‌بودن شمار گرم مزاجان در زندان ملایر با توجه به وسعت کم‌تر شهر به نسبت اصفهان و ترس از شیوع امر به دلیل کم‌وسعت بودن می‌تواند توجیه شود.

با توجه به این که از نظر منابع جرم‌شناسی در صورت پایین بودن قدرت پرخاش، حيله و نیرنگ جایگزین خشونت می‌شود (۳۳). در این حالت، حسب معمول مزاج سرد و خشک، سرد، سرد و تر غالب است. صاحبان این دسته مزاج، سست‌عنصر و کند بوده و به نظر می‌رسد معمولاً مبتکر جرائم خشن نباشند و به دلیل ریزبینی، دقت نظر و حسابگری، بزه‌های برنامه‌ریزی شده را مرتکب می‌شوند و انتظار می‌رود جرائم علیه اموال مانند صدور چک بلامحل، جاسوسی و جرائمی از این دست توسط این گروه ارتکاب یابد. از منظر جرم‌شناسی، تیپ استخوانی که قابلیت تطبیق با صاحبان مزاج سرد و خشک را دارد، به طور عمده تبهکاران مالی را تشکیل می‌دهند (۴). وانگهی، می‌توان این فرضیه را مطرح نمود که سرمای روانی غالب بر صاحبان مزاج سرد و خشک و سرد و تر موجب احتیاط و دوراندیشی آن‌ها می‌شود و با توجه به این که از نظر طب سنتی ایران بهره‌هوشی پایین‌تری نسبت به گرم مزاجان دارند، محوریت جرائم آن‌ها جرم‌های ساده بوده و جرائمی مثل کلاه‌برداری، به ویژه کلاه‌برداری رایانه‌ای را کم‌تر مرتکب شوند و در چنین جرائمی نقش وسیله ارتکاب جرم را ایفا می‌نمایند. تیپ فربه‌تنان کرچمر

بسیار مشابه صاحبان مزاج سرد و تر است، این تیپ از افراد معمولاً مرتکب جرم مبتنی بر حيله و تزوير می‌شوند (کلاهدرداری و قاچاق) (۴). پایان‌نامه گفته‌شده و نوشتار پیش رو در مزاج گرم و تر همسو هستند، در هر دو تحقیق، میان مزاج‌های مرکب، این گویه مزاج جایگاه دوم را بین زندانیان دارد. صاحبان مزاج گرم و تر عضلانی با استخوان‌بندی درشت و محکم و صورت برافروخته، شجاع، گستاخ، پیش رو و پرتکاپو هستند (۳۴). این گویه مزاج به نوعی با ویژگی‌های سخت‌پیکران کرچمر هماهنگ بوده و افراد سخت‌پیکر با اندام درشت و محکم، سینه فراخ و شانه پهن و انرژی فراوان شناخته می‌شوند و اغلب جرائم علیه اشخاص مرتکب می‌شوند (۴). این مطالعه نکات ضعف و قوت هم داشت، مهم‌ترین نکته قوت آن استفاده از ابزار استاندارد در تعیین مزاج بود و مهم‌ترین نکته ضعف آن عدم دسترسی به اطلاعات نوع جرائم زندانیان و نیز مزاج قبل از وقوع جرم و زندانی شدن ایشان بود.

نتیجه‌گیری

تمرکز پژوهش حاضر مبتنی بر شخص بزه‌کار بوده و نوع جرم مورد بررسی قرار نگرفته است. از این رو ضرورت آزمون گروه‌های مختلف بزه‌کاران برای نتیجه‌گیری همه‌جانبه و قطعی حسب نوع بزه، محسوس است. به طور قطع نمی‌توان گفت بزه‌کاران صرفاً از یک گویه مزاج برخاسته‌اند، با این وجود نوشتار پیش رو بیانگر رابطه مزاج‌های نه‌گانه بر بزه به عنوان یک کنش می‌باشد و فراوانی زندانیان را در گونه مزاج سرد و خشک نشان می‌دهد. بنابراین مزاج می‌تواند بسترساز و در شرایطی سبب رخداد بزه باشد. افراد با ویژگی‌های شخصیتی مشخص ارتکاب بزه را برمی‌گزینند و جامعه برای دفاع از خود به اعمال کیفر می‌پردازد، اما در صورتی که کیفیت مجازات بر حسب مزاج و به تبع تربیت‌پذیری بزه‌کار صورت گیرد، احتمال جامعه‌پذیری شخص بیشتر خواهد بود. همچنین با توجه به این‌که درصد قابل توجهی از افراد بزه‌کار دارای مزاج سرد بودند و این مزاج از منظر طب ایرانی در بسیاری از موارد استعداد بیشتری برای بیماری جسمی و روحی دارد، به نظر می‌رسد اصلاح مزاج این افراد بتواند در پیشگیری از وقوع جرم ایشان مؤثر باشد. اثبات این نظریه نیازمند تحقیقات بیشتر در این زمینه می‌باشد.

سپاسگزاری

در پایان مراتب قدردانی و سپاس را از قضات محترم جناب آقای محمدرضا ترکاشوند، جناب آقای قاسمی و آقای نوروزی ابراز می‌نماییم و از همکاری جناب آقای دکتر مقیمی، دادگستری کل استان، ریاست زندان شهرستان ملایر و همه بزرگوارانی که در این مطالعه ما را یاری نمودند، تقدیر و تشکر می‌گردد.

جدول ۱: جدول فراوانی حجم نمونه

عادی یا مجرم بودن	فراوانی	درصد	درصد تراکمی
افراد عادی	۱۱۳	۵۰	۵۰
افراد مجرم	۱۱۳	۵۰	۱۰۰
جمع کل	۲۲۶	۱۰۰	

جدول ۲: آزمون خی دو یا X^2

آزمون پیوند کای اسکوتر			
آزمون استنباطی	قابلیت اطمینان	درجه آزادی	سطح معنی داری sig
کای اسکوتر پیرسون	۳۷/۹۲۸ ^a	۸	۰/۰۰۰
نسبت درست نمایی	۴۰/۳۱۸	۸	۰/۰۰۰
وابستگی خطی دو متغیر	۲۳/۴۶۰	۱	۰/۰۰۱
تعداد کل نمونه	۲۲۶		

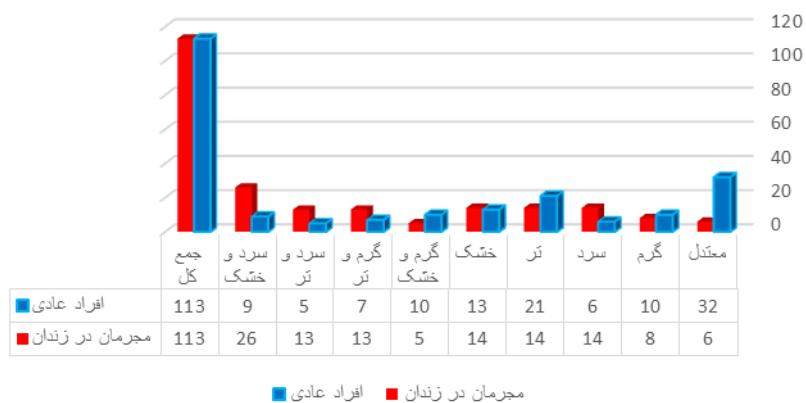
جدول ۳: رتبه‌های بیان معنی داری یا عدم معنی داری تفاوت مزاج در بین دو گروه افراد عادی و بزه‌کار

گروه	تعداد افراد آزمودنی	میانگین رتبه	مجموع میانگین رتبه
افراد عادی	۱۱۳	۹۲/۸۸	۱۰۴۹۵/۰۰
بزه‌کار	۱۱۳	۱۳۴/۱۲	۱۵۱۵۶/۰۰
کل	۲۲۶		

جدول ۴: جدول مقدار آماره آزمون به بیان کیفیت تفاوت مزاج در بین دو گروه افراد عادی و بزه‌کار

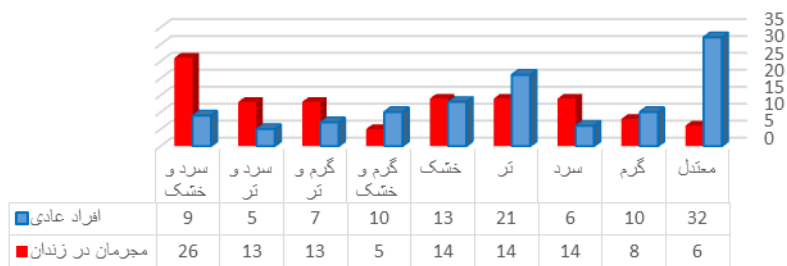
مزاج	آزمون‌های ناپارامتری
۴۰۵۴/۰۰۰	آزمون یومن - وایت نی
۱۰۴۹۵/۰۰۰	آزمون ویلکاکسن W
-۴/۷۸۲	مقدار آماره Z در سطح معنی داری
۰/۰۰۰	سطح معنی داری sig.
دو گروه از افراد عادی و بزه‌کار	

نمودار فراوانی پاسخ گویان افراد عادی و زندانیان



نمودار فراوانی پاسخگویان افراد عادی و زندانیان

نمودار درصد مزاج پاسخ گویان افراد عادی و زندانیان



نمودار درصد مزاج پاسخگویان افراد عادی و زندانیان

References

1. Lazerges CH. Income on criminal policy. Translated by Najafi Abrand Abadi A. 5th ed. Tehran: Mizan; 1395. p.39.
2. Ardebili M. General Criminal Law. 43th ed. Tehran: Mizan; 1394. Vol.1 p.27, 38-41.
3. The Islamic Penal Code 1392.
4. Knia M. The criminal Psychology. 4th ed. Tehran: Rushed; 1383. Vol.1 p.133-137, 166, 530.
5. Saduk J, Saduk B, Royaz P. The summary of psychiatry Behavioral Sciences/ Kaplan and Saduk Clinical Psychiatry. Translated by Farzin AR. Tehran: Arjmand; 1395. Vol.1 p.24.
6. Sotodeh H, Mirzaie B, Pazand A. Criminal Psychology. 8th ed. Tehran: Avanoor; 1392. p.40.
7. Knia M. Foundation of criminology. Tehran: Tehran University; 1370. p.400.
8. White R, Hiens F. Crime and criminology. Translated by Salimi A. 7th ed. Qom: Department of Reserch Center and University; 1394. p.121-124.
9. Naraghi M. Islamic Ethics. Translated by Mojtavavi J. Tehran: Hekmat; 1370. Vol.1 p.58.
10. Aghili Khorasani Shirazi M. Kholasatal Hekmat. Edit by Nazem A. Qom: Institute for the study of Medical History of Islamic Medicine and Complementary Medicine; 1385. Vol.1 p.527-531.
11. Moshiri M. Alphabetical dictionary of Persian language. Tehran: Soroush; 1374. p.988.
12. Ibn Sina H. Law in medicine. Beirut: Institute of Medicine and publication Ezedin; 1993. Vol.1 p.19.
13. Mojahedi M, Naseri M, Majdzadeh R, Keshavarz M, Ebadini M, Nazem E, et al. An over View of defining indices of primary temperament in Traditional Iranian Medicine. Medical History 1391; 4(12): 37-76.
14. Jorjani A. Save of Kharazmshahi Edited and annotated by Moharreri M. Electronic Version. Tehran: Islamic Republic of Iran Medical Academy; 1380. p.53-59.

15. Ahvazi A. Complete Natural Industries. Cairo: Darabi; 1294 H.q.
16. Naseri M. An overview of the generalities of traditional medicine in Iran. 15th ed. Tehran: Iranian Traditional Medicine Publications; 1395. p.27, 32, 94.
17. Mesbah Yazdi M. Interpretation of the 8th Volume of the four Journey. Qom: Imam Research Institute; 1393. Vol.2 p.194-203.
18. Babaie A. Selected Interpretation of comprehensive. Interpretation of Noor Software. Qom: Computer Research Center of Islamic Sciences; 1390. Vol.3 p.244.
19. Mojahedi M, Naseri M, Majdzadeh R, Keshavarz M, Ebadini M, Nazem E, et al. Reliability and Validity Assessment of Mizaj Questionnaire: A Novel self-report Scale in Iranian Traditional medicine. Iran Red Crescent Med J 2014; 16(3): e15924.
20. Naraghi M. Game Alsaadat. Electronic Version. 7th ed. Qom: Esmaeilian; 1386. Vol.1 p.34.
21. Bahaie H. Kashkool. 8th ed. Beirut: Aalami; 1403. Vol.6 p.300.
22. Hassan zadeh Amoli H. One thousand words. Qom: Islamic Advertising Office Center; 1373. Vol.1 p.12-14.
23. Najafi Abrand Abadi A. Encyclopedia of victomology and crime prevention. Tehran: Mizan and NAJA Preventive Police Applies Research Center; 1393. Vol.2 p.1195, 1344.
24. Mohammadi Frood H, Mirhashemi M. Relationship between personality disorders and type of crime in prisoner. Thought and behavior Spring 1387; 2(7): 21-30.
25. Aghamohamadi S. The relationship nature's nine classes in traditional medicine with personality, Stress, Emotional ordering and self-analysis of coherence. Hamedan: General psychology Expert, Bu-Ali Sina University; 2017. p.95.
26. Shafeei R. Recognition of the four-mixing and the incidence of crime and Amzaj. Isfahan: Master of Science in Criminal law and criminology, Islamic Azad University of Isfahan; 2013. p.183.

27. Saravani M. Investing the locations of the thefts crime and the factors Affecting Theft in Zabul city. Zahedan: Master of Science in Criminal law and criminology, Islamic Azad University of Zahedan; 1394. p.128.
28. Saravani M, Boolagh M, Hosseini H. Investigating the causes of crimes theft (Case study of resident robbers in the central prison of Zabol). Istanbul: Management Conferences and Humanities; 1395.
29. Ibn Moskuvieh A. Tahzib al-Akhlagh. 7th ed. Qom: Zahedi; 1426. p.51.
30. Page LA, Hajat S, Kovats RS. Relationship between daily suicide counts and temperature in England and wales. Br Psychiatry 2007; 191: 106-112.
31. Fayyazi Bordbar M, Talaiee A, Hejazi A, Talebi M, Kohestani L, Samari A. Relationship of Meteorological variable with Violence and Hospitalization of psychiatry patient in Mashhad. Scenic Journal of forensic Medicine 1387; 14(2): 105-111.
32. Guildler M. Oxford psychiatry rank one. Translated by Rajabi M, Rajabi M. 4th ed. Tehran: Andisheh Rafie; 1381. p.257-258.
33. Jafari M. Summary of Criminology Topics by Najafi Abrand Abadi. Tehran: No Name; 1387. p.90, 109. Available at: <http://www.lawtest.ir>.
34. Afrasiabian A. Food planning and food temperament in Traditional Iranian Medicine. 11th ed. Tehran: Parhoon; 1394. p.5-7.